

## در حاشیه قضاوت های همایون بهاء

در چند سایت انترنتی که از طرفداران سراپا قرص جبهه نام نهاد شمال اند مقاله از آقای همایون بهاء فرزند مرحوم سعدالدین خان بهاء به نشر رسیده که خواننده هر چند از مسایل روز و تاریخ معاصر کشور بیخبر باشد را به خنده و آن هم زهر خنده وامیدارد.

من درست نمیدانم که آقای همایون بهاء درباره تاریخ معاصر کشور چرا اینقدر بی مهابا و بدون در نظر گرفتن حقایق درون جامعه استدلال ظالمانه ای کرده است.

آیا درست است که عبدالرشید دوستم را از جمله مجاهدین راه نجات وطن از چنگال استعمار و اشغال به حساب آوریم؟! آیا آقای عبدالطیف پدram توانسته است که به حیث یک رهبر واقعی و یک سیاست مدار، برای مردم افغانستان خودش را تثبیت کند؟! وقتی منافع قبیله میگوییم میتوانیم با اسناد غیر قابل انکار ثابت سازیم که مثلا فلان قبیله یا فلان قوم بر سرنوشت اکثریت مردم افغانستان حاکم بوده و همه چیز را از دیگران غصب نموده است؟! وقتی روی شرایط خارجی برای نضج گرفتن جنبش های ضد ملی تاکید میکنیم، آیا میتوانیم مثال های درستی را به خاطر تقدم عوامل خارجی بر عوامل داخلی و علل فروپاشی نظام های ملی در افغانستان ارایه کنیم?... مثل این پرسش ها در طول مقاله آقای بهاء به کثرت میتواند طرح گردیده و برای توضیح آن در خواست جواب شد.

زیاتر از همه که رنج های ما را صد چند میسازد اینست که ایشان خواسته و یا ناخواسته عبدالرشید دوستم ملیشه را مقام قهرمانی داده و او را به گفته چوچه انگلیس صبغت الله، سعد بن وقاص نامیده؟... مگر همین رشید دوستم نبود که در زمان کارمل و نجیب هزاران هموطن ما را سر به نیست نموده و خانه و کاشانه ای شانرا با افرادش چور و چپاول کرد. اگر شما ندیده و نشنیده اید من میگویم که حتی دستک های بام های خانه ای شانرا یکجا با دیگ و کاسه شان در بازار های کابل به فروش رساندند. عبدالرشید دوستم که یکی از سر سپرده های سازمان جاسوسی جهنمی نظامی ترکیه است که در بدو به قدرت رسیدن خلقی پرچمی ها توانست خود را در معادلات سیاسی افغانستان مطرح کند. صرف نظر از اینکه او چه کرد و چه میکند. تمام مردم افغانستان اعمال شوم و غیر انسانی او را فراموش کرده نمیتوانند؛ غیر از همایون خان بهاء که با قلم شکسته و به شیوه شونویست های جبهه شمال آب به آسیاب امپریالیزم امریکا میریزد.

آقای همایون بهاء بدون تامل آقای لطیف پدram را که در چانته اش نه از سیاست مقوله ای دارد و نه توانسته است موقف اشرا در میان مردم تثبیت کند و با استفاده از تبلیغات جبهه نا مقدس شمال به مسایل ملی دامن میزند را در جمله شخصیت های ملی آورده و چنان وانمود میسازد که در حق او هم ظلم صورت گرفته!!! آقای همایون بهاء فراموش میکند که همین لطیف پدram دنباله رو قوی کوشان تفرقه افکن بزرگ میان ملیت های افغانستان؛ جاسوس و سر سپرده ای امریکایی هاست که با او از یک کاسه آب میخورد.

بعد ازین همه به مسئله افشار برخوردی دروغین و دور از انصاف نموده و آنرا تنها به گردن عبدالرسول سیاف میاندازد.

به آقای بهاء میگویم که اگر شما آنوقت در هالند تشریف داشتید و با استفاده از دیموکراسی های غربی کسی به شما نگفت که اندازه جنایات شما در خاد پرچمی ها چقدر بود. من میگویم حادثه افشار به دستور فاتح افشار و فاتح تپه مرغان احمد شاه مسعود نام قهرمانی را کسب کرد و کشتار احمد شاه مسعود از شمال کابل، با هجوم لشکر محمد انور دنگر از طریق بادام باغ کابل شروع شد. وقتی چنگیزیان انور دنگر به ارتفاعات پولیتخنیک و افشار رسیدند خبری هم از نیرو های سیاف و هابی نبود. به اصطلاح گل تربوز را نیرو های قهرمان شما یعنی احمد شاه مسعود نصیب شد و بعد از آن نوبت به دزدان عبدالرسول سیاف رسید. مردم ما میدانند که عبدالرسول سیاف همواره از جبهه قهرمان شما صاحب نام و نشان فتوحات اش بود. عبدالرسول سیاف هیچگاهی بدون اشاره قهرمان شما به جنگ مبادرت نورزیده. اگر شما آروز ها به کابل نبودید من میگویم و تاریخ هم شهادت میدهد که جنرال شما عبدالرشید دوستم در جبل السراج با احمدشاه مسعود یکجا نشست بعدا با گلبدین حکمتیار و عبدالعلی مزاری شورای هماهنگی را برای تخریب شهر کابل و کشتار بی رویه مردم ساخت. به این ترتیب منافع امریکایی ها را از طریق سازمان

جهنمی نظامی ترکیه بر آورده ساخت. اگر شما راجع به شخصیت این ملیشه بیسواد چیزی نمیدانید حیف نام آن پدر مبارز که پساوند نام تان گردیده.

دوستم در زنباره گی، شرابخواری و کشت و کشتار دست همه قومندان های قومی را به چوب بسته است که فلم های فسق و فجور آن را میتوانید از طریق یوتوب به تماشا بنشینید.

اما میدانم که درد شما از کدام ناحیه است. شما بیخود به نام جبهه نام نهاد شمال چسپانده اید. مردم ما نه فریب شما و نه هم فریب جنگسالارانی چون برهان الدین، سیاف، خلیلی، دوستم، گلابزوی و علومی و اسماعیل را میخورند.

آنچه شما و دوستان نیم راه شما به نام فیدرالایسم نیشخوار میکنند حکایتگر بیدانشی و خرفتی شان از سیاست است. شما فیدرالایسم را میتوانید به حیث یک الگو از باداران روسی خود قرض گرفته و تنها از طریق تبلیغات به گوش مردم زمزمه کنید. اما اگر عقل یک طفل را هم از گوشه های اروپا قرض بگیرید باید متوجه باشد که در سرزمین ما

به دلایل زیر فیدرالایسم امکان جایگزینی به حیث یک الترتیف در مقابل جمهوری اسلامی شده نمیتواند:

۱ - وطن ما تحت اشغال امریکای جهانخوار و متحدین نظامی آن است.

۲ - قوت های نظامی ما برای نگهداشتن یک ولسوالی در مقابل نیرو های شورشی قدرت نظامی بحساب نمی آیند.

۳ - دست های مغرض و نفاق افکن همسایه گان چون، روسیه، ایران، پاکستان و چین در رقابت به یاران امریکایی شما هر روز از روز پیش درازتر میشود.

۴ - اقتصاد افغانستان متکی به کمک های خارجی بوده و بحران های بی رویه اقتصادی در آن هر گونه امید رسیدن به راه رشد طبیعی را سد نموده است.

خلاصه اینکه آقای همایون بهاء میتوانید هر چرند و پرندی را که میخواهید برای بی گناه جلوه دادن جنایتکارانی چون دوستم و سرتمداران جبهه شمال سر هم کند. اما من به وضاحت میگویم که این عمل شان بر علاوه اینکه کوتاه نظری شانرا در سیاست نشان میدهد. چون همشیره کوچک شان ثریا بهاء خود فروخته گی شانرا به سازمان جهنمی سی.

آی. ا. برملا ساخته و روی سیاهی به ایشان ارمغان میاورد.

پایان